

مجمع ادبیات شرقیه

از اختصاصات مشروطیت در دوره اول مجلس تشکیل انجمنها و جمعیتهای سیاسی بود. هنوز در باره این انجمنها تحقیق کافی نشده و حتی اسم همه آنها شناخته نشده است. بهترین تحقیق نوشته‌ای است از خانم لمبتون محقق انگلیسی. در کتابهای مربوط به تاریخ مشروطه در زبان فارسی هم بعضی اطلاعات مندرج است، همچنین در روزنامه‌های دوره مشروطه و دوره انقلاب مشروطیت.

در میان انجمنهای آن دوره که همه جنبه سیاسی داشت یک جمعیتی هم برای کارهای ادبی تشکیل شده بود که شایسته است اشاره‌ای به فعالیت آن بشود.

نام این جمعیت "مجمع ادبیات شرقیه" بود و به نام "کلوب" هم معروف بود. از مؤسسان آن جمعیت شیخ‌الملک کرمانی و ادیب‌الملک بوده‌اند. در جلسه اول، آقا میرزا سلیم ادیب‌الحکماء مقاله‌ای می‌خواند که منتشر در شماره ۳۲ روزنامه کوکب دری زیر نظر ناظم‌الاسلام کرمانی طبع شده است.

این ادیب‌الحکماء طبیب بود و از مردم قراباغ و از اتباع محمدولی خان سپهسالار تنکابنی، صاحب تألیفاتی است مانند "تفننات ثلاثه" و "کتاب شرافت - حکایت رضا و ربابه" و "تدبیر الحوامل" و "کشکولک قراباغی" و "شب‌نشینی رمضان یا صحبت سنگ و سیو". در اینجا متن سخنان ادیب‌الحکماء که حکایت از فهم و علم او دارد و گوشه‌ای از توجهات فرهنگ خواهانه روشنفکران آن عصر را می‌نمایند نقل می‌کنیم. آینده

کلوب

عصر دوشنبه ۲۸ شعبان افتتاح کلوب یا مجمع ادبیات شرقیه که مدت‌ها بعضی از اعیان و فضلاء در خیال تشکیل و تهیه اسباب آن بوده‌اند بعمل آمده جمعیتی از حجج اسلامیه و اهل علم خصوص سیدین سدیدین، برحسب دعوت رسمی برای تشویق و ترویج ادباء و اهل فضل در آن محضر حضور به هم رسانیده و بدواً جناب شیخ‌الملک که یکی از مؤسسين است برخاسته نطقی نموده و مقصود از تشکیل کلوب را بیان کرده، بعد جناب ادیب‌الملک شرح مبسوطی در تعریف ادبیات نموده و مجلس بخوبی و خوشی اختتام یافت و از نطق جناب شیخ‌الملک اهمیت این کلوب بخوبی مستفاد خواهد گردید.

صورت خطابه

مخفی نماند که آنچه از مطالعه، تواربغ و تجربه و امتحان اهل دانش و فرهنگ آشکارا شده است چنین می‌نماید که اعظم وسائل ترقی هر مملکتی بواسطه، ترویج و انتشار زبان و ادبیات داخله آن خواهد بود، چنانکه از صدر اسلام تا قبل از ظهور دولت چنگیزی که نوبت انقراض دولت اسلامی رسید دین قوم اسلام بواسطه، نشر زبان عرب در شرق و غرب صفحه، روزگار منتشر گردید و امروز دولتین فرانسه و انگلیس بواسطه، انتشار زبان وطنی خود در روی زمین افتخار و مباهاتی فوق‌العاده ظاهر می‌کنند و سبب ترقی این دو زبان آن است که کتب علمیه و صنفیه که محتاج‌الیه مرد دنیا است به این دو زبان انتشار یافته و لهذا پایتخت این دو مملکت دارالعلوم و دارالصنایع کره، ارض واقع شده است.

همچنین پوشیده نیست که ما مردم ایران از هنگامی که تاج و تخت کیان بر باد رفت و زبان پدر و مادر خود را از دست دادیم اگر تعلیم لغت عرب که زبان دینی و لسان مقدس روحانی ما بود نمی‌آموختیم و آن را قائم مقام زبان باستان قرار نداده تعلیم و تعلمش را به قواعد نحو و صرف فرا نمی‌گرفتیم مانند جانوران و حیوانات زبان بسته در میان سایر ملل گنگ و لال به قلم می‌رفتیم.

پس معلوم می‌شود که اگر رمقی از دانش ما باقی مانده است و بکلی متروک و مهجور از ادبیات و فضائل نمانده‌ایم بواسطه، تحصیل زبان عربی بوده است که از برکت دین حنیف و قرآن شریف برای ما باقی مانده است.

در این صورت اعتقاد بنده آنست که هر فردی از افراد مردم ایران بایستی که در ترویج ادبیات و توسعه، تعلیمات زبان حالیه که مرکب و مطلق از عربی و فارسی است جد و جهد واقعی به عمل آورده علوم و فنون خارجه را که مایه، افتخار و وسیله، پیشرفت ترقی نوع انسان است باین زبان مقدس شایع نموده ابناء، وطن عزیز را از قید ذلت و احتیاج به زبان اجانب رهانیده از اثر افاضه، این نعمت برادران عزیز شرقی راهمدوش فضلی مغرب که به نشر السنه، خود می‌نازند بنماید.

بنابراین جمعی از محترمین محض خدمت بوطن مقدس خود تأسیس این مجمع را که موسوم به "مجمع ادبیات شرقیه" است نموده‌اند و حتی المقدور از بدل مال و صرف وقت گرانبهای خودشان دریغ نکرده و نخواهند کرد و انشاءالله ماهی یک‌مرتبه مجلس کنفرانس در این باب منعقد و از مروجین معارف دعوت رسمی نموده، در حضور محترم ایشان نتایج اقدامات حسنه، خودشان را مذاکره خواهند نمود و هرکس که محض خدمت

باین مجمع لایحه‌ای راجع به ادبیات نوشته بفرستد با کمال امتنان قبول و درمعرض جمع قرائت خواهد شد.

در این موقع لازم است که از حضرات حجج اسلامیه که منشاء سعادت و مبداء خوشبختی ما و پیشقدم در نهضت ملت و ترقی مملکت بوده و فی الحقیقه این احساسات و حرکات ما از نتایج زحمات و اقدامات و جانفشانیهای آنها و به تبعیت و پیروی مقاصد مقدسه ایشان است اظهار تشکر نموده و به آقایان و بزرگانی که قدم رنجه فرموده محض تشویق اعضاء این مجمع و ترغیب عامه نسبت به این گونه اساسهای مقدس مجمع ما را به قدوم شریف خود مزین فرموده‌اند تشکرات صمیمانه خود را عرضه می‌داریم.

کوکب دری - خدمات جناب شیخ‌الملک کرمانی به عالم انسانیت و معارف از بیست سال قبل بر همگی واضح و آشکار است. محتاج به تعریف و توصیف ما نیست. اول کسی که کلاس علمی و مدرسه بطور جدید در ایران مفتوح و دایر نمود جناب شیخ‌الملک بود. در مهاجرت به خارجه و تعلیم و تعلم لسان فرانسه اول شخصی بود که گوی مسابقت را ربود و امروز هم خیالات عالیه جناب شیخ‌الملک در ترقی اهالی وطن عزیز به اندازه‌ای است که می‌توانیم بوجود این یگانه مرد افتخار نمائیم و تأییدات ایشان را از درگاه حضرت احدیت جلت قدرته خواستگاریم. (نقل از شماره ۲۹ کوکب دری سه‌شنبه ۱۴ رمضان ۱۳۲۵ = ۲۲ اکتوبر ۱۹۰۷)

در شماره ۳۲ همین روزنامه متن مقاله‌ای که سلیم ادیب‌الحکما خوانده بود درج شده است و ما متن آن را از لحاظ نمودن عقایدش به چاپ می‌رسانیم. ضمناً تاریخ مطالعات زبانشناسی را در ایران نشان می‌دهد.

مقاله

نخستین ستایش یگانه آفریدگاری را سزد که شاهد معانی نفسی را به زیور لفظی بهاراست. سپس پیام آوران را ستائیم که راه بندگی آموخته بویژه واپسین پیام آوران که آن ستوده پیمبر تخم مهر و داد، توحید خالق و اتحاد مخلوق را در قلوب ما بکاشت.

پس از ادای فریضه معروض میدارد

بدیهی است که رجحان و شرف ذات انسان نسبت بسایر انواع حیوان فقط بموجب موهبت قوه ناطقه‌ایست که بواسطه آن درک و بیان معانی میکند و ضمائر مستوره قلبی و مقاصد منویه نفسی را لغافاً بهیئت الفاظ ظاهر می‌سازد. صورت ظاهری این نطق و بیان غیر از حرکت مخصوص زبان و سایر جارجه حلقوم

و دهان چیز دیگر نیست که تولید آواز می‌کند و ما هرکدام از آوازهای مفهم معنی و مفید مراد را کلمه می‌گوئیم .

پس کلمات لغات و الفاظ السنه، هر قوم عبارت از آوازهای مختلف و متفاوت و مخصوص بابنای بشر است که بجهت ادای غرض ذهنی و مقصد شخصی خود بگوش دیگری میرساند و شنونده هم از شنیدن آن صوت مقصود و مراد متکلم را میفهمد ، خواه گوینده و شنونده هردو هم‌زبان باشند و یا عالم بزبان یکدیگر .

این است که دانشمندان فرزانه در مقابل هرکدام از آن اصوات مختلفه و کیفیات متنوعه، مسوعه علامتی وضع کرده و از ترکیب و نگارش آن علائم که حروف و حرکت معروف‌اند کلمات و لغات مکتوبه به عمل آوردند که افراد انسان از آموختن آن فن سهل و ساده، سحر آساده‌ارای علوم و معارف گردیده از اوضاع سالفه مسوق گشتند، اعقاب آتیه را از حال خود مستحضر میسازند .

سرایم نغمه گفتگوش را

نازم دست و بازویش را

کمیت لغات هر قوم بسته به درجات تمدن است . بعلمت اینکه هر قوم باندازه، جزئیات صور و معانی معلومات و بقدر اصطلاح علوم و معارف معموله و اسباب و ادوات فنون و صنایع متداوله، خود لفظ و لغت لازم دارند که افهام و تفهم مراد و خط کتابت مقصود بعمل آید . کیفیت لغات از حیث تحسین تقریر و تسهیل تحریر بسته به مراتب تربیت و تمدن است . هر قومی که پا بدایره، تمدن می‌گذارند باید ادبای آن قوم لهجه، مخصوص و آهنگ موزون اصوات الفاظ را به اطفال تعلیم دهند . پس از آن وضع کتابت و قرائت را نوعی مکمل و ساده سازند که کاتب بتواند کمابیشی از عهده، ضبط کلیه، علائم اصوات و کیفیات متنوعه، هر لغات داخله و خارجه برآید . تا آنکه خواننده بتواند بدون اشتباه بخواند والا رفته رفته لغات منحرف و مغلوب بلکه مضمحل و متروک می‌شود .

پس از قرار مذکور می‌توان گفت قومی که بی‌بهره از علوم و معارف و بی‌نصیب از فنون و صنایع زندگی می‌کنند عده، لغاتشان قدر قلیل خواهد بود و عوض شیوه، شمای آهنگ سخن و بجای آواز موزون حرف گفتن با لهجه، پهن و گشاد و غیر مطبوع تکلم خواهند کرد . بدیهی است که آنهم بمنزله، خط بد و لایق، نتیجه خواهد بخشید نه مانند خط خوب و خوش سهل القرائه .

و این مراتب هم از مسلمات است که لغات و زبان بی‌مورد هور بواسطه، اختلاط و امتزاج امم خارجه و ملل بیگانه و امتداد تام توحش و تنبلی تغییر و تبدیل کلی پیدا می‌کند بلکه بگلی از میان می‌رود . بخصوص هنگامی که ملت قوی و غالبی کوشش نمایند که زبان خود را فیما بین ملت ضعیف مغلوب متداول و رواج سازند که نفوذشان بیشتر از

بهبتر گردد.

پس اگر قومی بخواهند نواقص کم و کیفیت لغات خود را تکمیل نمایند با آنکه تازه یا به دایره تمدن گذاشته می‌خواهد که علوم و صنایع امم متمدنه را اخذ و تحصیل کرده داخل لغات خود نمایند ناچار باید بوسیله یکی از تدابیر چهارگانه ذیل عمل نموده بمقصد نایل گردند.

اولاً اینکه موافق اسلوب لهجه و لغات خودشان الفاظ جدیدی در مقابل اسماء و اصطلاحات علوم و صنایع مطلوبه وضع و تأسیس نماید.

ثانیاً اینکه از کلمات موضوعه لغوی و از الفاظ مصطلحه داخله به مناسبت معانی اصلیه در مواقع مخصوصه و مواد مناسبه استعمال نمایند و علی‌ای نحوگان باید اهالی را از معانی الفاظ موضوعه جدیدی مسبوق و بواسطه تألیف کتب از مناسبت و استعمال الفاظ منقول و مشتقه مطلع نمایند.

ثالثاً اینکه عین اسماء و اصطلاحات لغوی و عرفی مخترعین علوم و صنایع را استعمال نمایند.

رابعاً اینکه الفاظ و کلمات متروکه و منحرفه خودشان را معمول و دائر نمایند و هرچه کم و کسر دارد بهیکی از وسائل فوق‌الذکر تهیه و تدارک نماید.

حالا همه می‌دانند که لغت و زبان اصلی ایرانیان برور دهور و حدوث چندین دفعه تغییر و تبدیل یافته چنانچه دساتیر زردشتی از سه هزار سال بیعد سه دفعه تغییر یافته نخست که بزبان اوستا بود بعد به زند و پس از آن با آخرین زبان ایرانی که پهلوی بود نقل یافته و بعد از طلوع اسلام از میان اعراب متدرجا^۱ معرب گشته و برخی بواسطه استعلا قومی ترک تقریباً مخلوط گردیده.

اکنون که از برکات انعقاد مجلس شورای ملی و تبدیل سلطنت به مشروطیت دانشمندان با غیرت بخیال اصلاح و اکمال این همه نواقص و معایب جهت جامعه این هیئت مجتمعه افتاده‌اند سزاوار چنین است که حتی الامکان لغات زبان پهلوی را پیدا و جمع کنند و برای تعلیم لغات عربی که در زمان حالیه رکن و کین و جزو اعظم لغات ایرانی گردیده معلم مخصوص از عرب آورده مقاصد مقدسه خودشانرا انجام دهند.

پرواضح است که افراد ملت و اینای مملکت وقتی از اوضاع دین و دولت و مبنای تمدن و معرفت بسهولت اطلاع و استحضار حاصل میکنند و همچنین زمانی شیوع علم و معارف و ترقی فنون و صنایع عصر در وطن هر قوم تعمیم می‌یابد که مجموع کتب و جراید و تحریر صحف و رسائل کلا^۲ با زبان طبیعی و یا لغت وطنی آن قوم مکتوب و منطبع گردد.